اقتصاد سبز

مالیات سبز درکمین کشاورزان آلاینده



فاطمه پاسبان
کارشناس کشاورزی

● بخش کشاورزی به دلایل گوناگون در ایران معاف از پرداخت مالیات است. در ماده (۸۱) قانون مالیات‌های مستقیم آمده است: درآمد حاصل از کلیه فعالیت‌های کشاورزی، دامپروری، پرورش ماهی و زنبورعسل و پرورش طیور، صیادی و ماهیگیری، نوغان‌داری، احیای مراتع و جنگل‌ها، باغات و اشجار از هر قبیل و نخیلات از پرداخت مالیات معاف هستند. توجیه معافیت مالیاتی فعالیت‌های بخش کشاورزی به دلایل گوناگونی در ایران برمی‌گردد که از آن جمله می‌توان به مواردی اشاره کرد: ۱) اغلب شاغلان بخش زراعت را گروه‌های کم‌درآمد جامعه تشکیل می‌دهند. به دلیل کوچک‌بودن اراضی، درآمد کشاورزان کم است (با توجه به تورم دائما قدرت خرید آنان در حال کاهش است). ۲) بخشی از تولیدات توسط خود کشاورزان مصرف می‌شود که تفکیک آن از قسمت فروش‌رفته مشکل است. ۳) اخذ مالیات موجب ایجاد انگیزه برای کوچک‌شدن قطعات زمین‌های زراعی خواهد شد که این امر منجر به عدم استفاده از تکنولوژی و ماشین‌آلات و نهایتا کاهش درآمد کشاورزی و عدم استفاده بهینه از منابع موجود در بخش کشاورزی خواهد شد. ۴) اخذ مالیات از این بخش باعث کاهش سرمایه‌گذاری خصوصی می‌شود چون فعالیت در این بخش با ریسک‌های فراوانی روبه‌رو است و اخذ مالیات انگیزه حضور سرمایه‌گذاران را کمتر می‌کند. ۵) اخذ مالیات در این بخش با گسترش عدالت اجتماعی در تناقض خواهد بود، چون عموما افراد مذکور توانایی پرداخت مالیات را نخواهند داشت. ۶) به‌طور کلی چنانچه هدف حمایت از تولید و دستیابی به امنیت غذایی برای جامعه است، اخذ مالیات از این بخش منطقی به نظر نمی‌رسد. با توجه به این دلایل و سایر عوامل دیگر، بخش کشاورزی در ایران از پرداخت مالیات معاف است. با توجه به این معافیت، مالیات سبز در بخش کشاورزی می‌تواند موضوعیت داشته باشد؟ همان‌طور که در شماره‌های پیشین اشاره شد، بخش کشاورزی در انتشار گازهای گلخانه‌ای سهیم است و بنابراین طبق فلسفه وجودی مالیات سبز، از فعالیت‌های بخش کشاورزی که منجر به انتشار آلاینده‌های زیست‌محیطی می‌شود، می‌توان مالیات سبز اخذ کرد. قابل‌ذکر است این مالیات که اخذ می‌شود، دوباره به اشکال مختلف به بخش کشاورزی برای برنامه‌های کاهش انتشار آلاینده‌های زیست‌محیطی قابل‌تزریق است. آمار و اطلاعات جهانی نشان می‌دهد یکی از انواع مالیات‌های سبز و زیست‌محیطی مربوط به انرژی می‌شود. در ایران براساس اطلاعات ترازنامه انرژی سال ۱۳۹۱ از مجموع میزان انتشار گازهای آلاینده و گلخانه‌ای ناشی از مصرف انواع سوخت سهم بخش کشاورزی ۲.۲ درصد، صنعت ۱۶.۷ درصد، حمل‌ونقل ۲۴.۷ درصد، خانگی، تجاری و عمومی ۲۲.۵ درصد، پالایشگاهی ۲.۹ درصد و نیروگاهی ۳۱درصد است. گرچه سهم بخش کشاورزی نسبت به سایر بخش‌ها کمتر است اما کاهش آلاینده‌های زیست‌محیطی ناشی از مصرف انرژی بخش کشاورزی در کشورهای جهان مدنظر قرار گرفته است. اطلاعات آماری کشورهای اتحادیه اروپا نشان می‌دهد مالیات سبز بر انرژی بیشترین سهم را از کل مالیات‌های زیست‌محیطی دارد به‌طوری‌که در سال ۲۰۱۳ به‌طور میانگین در حدود ۷۵ درصد از مالیات کل سبز ۲۸ کشور اتحادیه اروپایی مربوط به انرژی است. پراکندگی سهم مالیات سبز بر انرژی در کشورهای اتحادیه اروپا متفاوت است. به‌طوری‌که مالیات سبز انرژی در لیتوانی، لوکزامبورگ و جمهوری چک، به بیش از ۹۰ درصد از کل درآمد مالیات‌های زیست‌محیطی بالغ می‌شود. در مقابل در کشورهای مالت و نروژ، سهم مالیات سبز انرژی کمی بیش از ۵۰ درصد درآمد حاصل از مالیات‌های زیست‌محیطی آن کشورهاست. در بقیه کشورهای اتحادیه اروپا سهم مالیات انرژی از کل مالیات سبز بیشتر از ۵۰ درصد و کمتر از ۹۰ درصد متفاوت است. ارقام نشان می‌دهد که مالیات سبز انرژی نقش و سهم مهمی در اتخاذ مالیات سبز دارد. از سوی دیگر آمار نشان می‌دهد در کشورهای اتحادیه اروپا که داده‌ها در دسترس هستند، سهم مالیات پرداخت‌شده انرژی توسط خانوار در کشور اسلوونی (۷۴درصد) بیشترین و ایرلند و دانمارک (هرکدام ۵۹ درصد) بوده است. بیشترین سهم درآمدهای مالیاتی انرژی در بخش کسب‌وکار مربوط به صنعت، ساختمان و خدمات وابسته به حمل‌ونقل و ذخیره‌سازی است که سهم این فعالیت‌ها بین ۱۵ و ۵۹ درصد در کشورهای مختلف در نوسان است. سهم مالیات انرژی فعالیت‌های حمل‌ونقل و ذخیره‌سازی نیز متفاوت است که کمترین آن مربوط به اسلوونی با پنج درصد سهم و بیشترین مربوط به استونی با ۳۰ درصد سهم است. سهم مالیات سبز انرژی بخش کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری از مالیات کل انرژی کمتر از سه درصد در اکثر کشورهای عضو اتحادیه اروپا است. ملاحظه می‌شود بیشترین سهم مالیات انرژی مربوط به خانوار و کمترین مربوط به کشاورزی است.

طرح استیضاح زنگنه یک روز پس از آخوندی کلید خورد

ماراتن نمایندگان مجلس برای استیضاح وزرا

بهرام فارسیجانی



عکس: عباس کوثری، شرق

شرق: تنها به فاصله یک روز از استیضاح ناموفق وزیر مسکن و شهرسازی حالا نوبت به وزیر نفت رسیده تا دست‌مایه استیضاح‌های سیاسی و غیرفنی این روزهای مجلس شود. این چندمین‌باری است که خبر استیضاح زنگنه مطرح می‌شود. نخستین‌بار آبان سال ۹۲ بود که استیضاح زنگنه مطرح شد و تا الان هم ادامه دارد. به گفته سیدشکرخدا موسوی، عضو کمیسیون انرژی مجلس، برای استیضاح وزیر نفت ۴۰ امضا جمع‌آوری شده که نشان از جدی‌شدن ماجرای استیضاح دارد. او می‌افزاید: منتظر بودیم تا تکلیف استیضاح وزیر راه‌وشهرسازی معلوم شود تا بعد از آن، این طرح را به هیات‌رئیسه مجلس تحویل دهیم. آن‌گونه که او عنوان می‌کند، مهم‌ترین دلایل و محورهای پیگیری استیضاح بیژن زنگنه، وزیر نفت، نیمه‌تعطیل‌بودن پارس جنوبی که عملا کاری در آنجا صورت نمی‌گیرد، مشکلات میادین مشترک، به‌کارگیری افراد متهم در پرونده فساد کرسنت در مسئولیت‌های کلیدی نفت و واگذاری دکل‌های نفتی به شرکت‌های چینی و هندی است. علاوه‌براین مسئله انتصابات وزیر، وضعیت پالایشگاه‌ها و تعطیلی بخشی از آنها به‌خاطر افزایش واردات بنزین و نیز واردات بی‌رویه بنزین به کشور، بی‌توجهی به شرایط اقتصادی کشور و موضوع اقتصاد مقاومتی در حوزه نفت از دیگر دلایل پیگیری استیضاح وزیر نفت است. او در اظهارنظر خود این پیش‌داوری را مطرح کرده، که من تصور می‌کنم استیضاح وزیر نفت از جمله استیضاح‌هایی باشد که احتمال رأی‌آوری آن بالا خواهد بود. بااین‌حال این گزارش سعی دارد نگاهی به عملکرد وزارت نفت انداخته و کارنامه زنگنه را در چندین محور بررسی کند. قبل از هرچیز ذکر این نکته لازم است که به‌طور یقین نمی‌توان ادعا کرد این وزارتخانه در تمامی عرصه‌ها عملکرد قابل‌قبولی ارائه داده و اساسا خود شخص زنگنه نیز چنین ادعایی ندارد. از سوی دیگر باید دقت کرد که انتظارات از این وزارتخانه در حد معقولی باشد و هرگونه قضاوت با توجه به جمیع جهات انجام شود. منتقدان به‌طور خاص به چند حوزه از عملکرد زنگنه انتقاد دارند.

واردات بی‌رویه بنزین

درمورد مصرف بنزین و اختصاصا «واردات بی‌رویه بنزین»؛ باید چند متغیر را به‌طور هم‌زمان لحاظ کرد:

۱- میزان مصرف بنزین تابعی از متغیر «زمان» است. در برخی ایام (و ماه‌ها) مصرف آن به‌شدت افزایش یافته و در مقاطعی هم دچار نزول می‌شود. ارقام مربوط به تولید و واردات بنزین، به‌طور روزانه یا هفتگی اعلام نمی‌شود یا اگر اعلام شود؛ صرفا جنبه خبری دارد (و نه تحلیلی). بنابراین آمار مصرف بنزین در ایام نوروز، هرگز برآورد دقیقی از اوضاع متعارف مصرف بنزین را به دست نمی‌دهد. ممکن است در مقاطعی از سال، میزان واردات به‌طور نامتعارفی زیاد شود (و متقابلا حالت عکس).

۲ - معمولا لازم است که تأسیسات پالایشگاهی به‌طور مقطعی وارد فرایند «بازبینی یا تعمیرات دوره‌ای» شوند. در این مقاطع، واحد مربوطه از جریان تولید خارج می‌شود. اما در طول یک «دوره یک‌ساله»، با فرض ثبات سایر عوامل، میزان تولید کل صنعت پالایشی کشور، رقم مشخصی است. بدیهی است موضوع «مصرف بنزین»؛ ناخودآگاه به تولید و واردات آن نیز مربوط است. مصرف بنزین همواره «رشد» دارد بنابراین پروژه‌های افزایش تولید بنزین در قالب «پروژه بنزین‌سازی پالایشگاه‌های تهران، تبریز، اصفهان، بندرعباس، آبادان، لاوان و اراک» تعریف شده است. از میان آنها، پروژه‌های پالایشگاه‌های تهران، تبریز و اراک به‌طور کامل به بهره‌برداری رسیدند و پروژه بنزین‌سازی پالایشگاه‌های اصفهان، آبادان و لاوان گرچه به بهره‌برداری رسیده‌اند اما نیاز به تکمیل دارند. همه این طرح‌ها به‌همراه بنزین‌سازی بندرعباس نیز تا پایان سال ۱۳۹۴ به بهره‌برداری می‌رسند. هرچند قضاوت‌ها باید براساس مقاطع سالانه باشد، اما آخرین آمارهای تولید بنزین نیز به شرح ذیل است:

وضعیت بنزین پایه تولیدی	بنزین پایه تولیدی
متوسط عملکرد در پنج‌ماه اول ۹۲	۵۶,۶
متوسط عملکرد در هفت‌ماه دوم ۹۲	۶۱,۶
متوسط عملکرد در سال ۹۳	۵۹,۹
متوسط عملکرد در سه‌ماه اول ۹۴	۵۶,۲

فراموش نکنیم که با راه‌اندازی پروژه پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس، تولید بنزین به‌واسطه این پروژه ۳۵,۶ میلیون لیتر در روز افزایش می‌یابد. میزان پیشرفت پروژه در ابتدای تابستان امسال به مرز بالای ۸۵درصد رسیده و پیش‌بینی می‌شود فاز اول آن امسال به بهره‌برداری برسد.

وضعیت پالایشگاه‌ها و تعطیلی بخشی از آنها به‌خاطر افزایش واردات بنزین

صنعت پالایش نفت، یک صنعت پویا و «همیشه‌بیدار» است. هرگز نمی‌توان تصور کرد که یک پمپ‌بنزین یا یک فروشندگی نفت سفید، فراورده‌ای برای عرضه نداشته باشد. واقعیت هم این است که چنین چیزی بسیاربسیار به‌ندرت اتفاق می‌افتد و وقوع آن همواره تبعات سیاسی، امنیتی و اجتماعی دارد. به‌طور کلی، هیچ پالایشگاهی را در کشور نمی‌توان سراغ گرفت که بخشی از آن تعطیل بوده باشد؛ چراکه:

۱- ممکن است پالایشگاه در دوران «اوورهال» یا همان «تعمیرات یا بازبینی‌های دوره‌ای یا اساسی» بوده باشد که در این صورت قاعدتا بخشی از پالایشگاه از مدار تولید خارج می‌شود. این برنامه‌ها از مدت‌ها قبل اعلام می‌شوند؛ چراکه تأسیسات و بخش‌های قبل از پالایشگاه (یعنی نفت خامی که قرار است به این پالایشگاه برسد) و همچنین تأسیسات بعد از پالایشگاه (مانند شرکت ملی پخش و انبارهای ذخیره‌سازی و مناطقی که تحت پوشش آن پالایشگاه است)، همگی در جریان مقطع این تعمیرات هستند و برای آن، برنامه‌ریزی‌های مختص به خود را دارند.

۲ - افزایش واردات بنزین، هرگز از نظر عملیاتی نمی‌تواند بخشی از یک پالایشگاه را تعطیل کند. اساسا تولید فرآورده‌های نفتی یک فرایند پیوسته است و نمی‌توان بخشی از آن را تعطیل کرد. در درون تأسیسات برج پالایشی، فرآورده‌های نفتی بر حسب مرغوبیت‌شان «پالایش» می‌شوند. بنزین از جمله مرغوب‌ترین فرآورده‌هاست. اما برج پالایشی «هوشمند» نیست که به‌خاطر افزایش «واردات بنزین»، خودش را تعطیل کند! اگر این‌گونه باشد؛ نباید هیچ فرآورده دیگری هم تولید شود، در این صورت تکلیف تولید طیف وسیعی از سایر فرآورده‌های مصرفی کشور چه خواهد بود؟!

این در حالی است که یکی از سیاست‌های وزارت نفت، حمایت از مشارکت در پایانه‌ها و پالایشگاه‌ها در خارج از کشور (بخش‌های دولتی و خصوصی) و حضور در زنجیره پالایش تا توزیع فرآورده‌ها در بازارهای هدف بوده است.

مشکلات میادین مشترک

توجه به میادین مشترک همواره اساسی‌ترین راهبرد وزارت نفت در تمامی دولت‌ها بوده است. هرچند هیچ شکی در اراده دولت‌ها وجود ندارد؛ اما عملکرد آنها تفاوت‌های بارزی را نشان می‌دهد. در وضعیتی که متفکران و روشنفکران ایرانی هنوز بر سر «نعمت و نقمت» نفت جدل می‌کنند و رسانه‌های منتقد دولت تلاش دارند هرگونه خبر حضور شرکت‌های معظم نفتی را به هرشکل ممکن، «وابستگی»، «فساد»، «سرسپردگی» و «نادیده‌انگاشتن توان داخلی» جلوه دهند؛ اما کشورهای رقیب با توسل به سرمایه‌گذاری‌های کلان و انواع مشارکت با طرف‌های خارجی، به سرعت در حال برداشت هستند.

پارس جنوبی: گفته شده که این منطقه تاکنون بیش از ۶۰میلیارد دلار سرمایه به خود دیده است. هرچند برخی هواداران دولت سعی دارند فعالیت‌های دولت‌های گذشته را در این حوزه «کم» و «بی‌اثر» قلمداد کنند، اما واقعیت آن است که سلسله اقدامات دولت‌ها در خشکی و دریا و با آن حجم از پیچیدگی (چه از حیث مهندسی و چه از بابت اجرا) فقط با بهره‌گیری از ساختار مدیریت یکپارچه و نظام‌مند به دست می‌آید که در هر دوره‌ای حاصل تلاش شرکت‌ها و خدمتگزاران کشور بوده است. این «تلاش‌ها» در مقاطعی به فترت گرایید (هم از بابت جذب سرمایه و هم از منظر توسعه طرح‌ها) که البته این فترت با هم‌افزایی عاملی به نام «سوءمدیریت»؛ باعث ایجاد رکود و تأخیر و انحراف در توسعه این میدان بود (طرح موسوم به پروژه‌های ۳۵ ماهه که باوجود صرف‌میلیاردها دلار، نتیجه چندان و قابل‌توجهی برجای نگذاشت). اما نگاه دولت حاضر به پارس‌جنوبی متفاوت است. مدیریت جدید وزارت نفت به خوبی آگاه بود که امکان «توسعه هم‌زمان» همه فازها وجود ندارد و اساسا چنین منابع مالی بزرگی هم به این پروژه‌ها تخصیص داده نمی‌شود (در آغاز کار دولت کنونی؛ ۱۷ فاز پارس جنوبی به‌طور هم‌زمان در حال توسعه بود که هیچ‌یک از آنها به بهره‌برداری نرسیده بودند)، بنابراین چاره‌ای جز «اولویت‌بندی» وجود نداشت و به همین‌دلیل زمینه‌هایی برای راه‌اندازی سه پروژه ایجاد شد که نتایجی به شرح ذیل داشت:

- نصب و راه‌اندازی هفت سکوی دریایی (شامل پنج سکوی یک‌میلیارد فوت مکعبی و دو سکوی ۵۰۰ میلیون فوت مکعبی)
- آماده‌سازی ۱۲ ردیف پالایشگاهی (در پنج فاز ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۸)
- هدف‌گذاری ظرفیت ۱۵۰میلیون مترمکعبی تولید گاز.

تا پایان سال گذشته تولید ۱۰۰میلیون مترمکعبی گاز محقق شد که آن را «آغازی بر پایان رکود توسعه در پارس جنوبی» تعبیر کرده‌اند؛ چراکه این موفقیت صرفا ثبت یک «رکورد» در تولید و بهره‌برداری نبود؛ بلکه پایانی بر سال‌های بحرانی تأمین تقاضای زمستانی گاز کشور هم بود.

متعاقب بهره‌برداری از فاز ۱۲، اکنون هدف ۸۰۰ میلیون مترمکعبی در چشم‌انداز است و این به مدد تحقق تولید نهایی فازهای اربعه (یعنی فازهای ۱۵ تا ۱۸) و رقم بیش از ۱۷۵میلیون متر مکعب است.

آمارهای رسمی هم این ادعا را ثابت می‌کند که در سال گذشته حدود ۱۰۰میلیون مترمکعب به تولید گاز پارس جنوبی اضافه شده و امسال نیز طبق برنامه‌ریزی‌ها، افزایشی معادل همین رقم خواهد داشت. پالایشگاه‌های فاز ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۸ می‌توانند ظرفیت پالایش موردنظر را تا ۲۲۰میلیون مترمکعب محقق کند.

غرب کارون

به‌طور مشابه باید به پروژه‌های غرب کارون هم اشاره کرد. این حوزه متشکل از چند میدان «بزرگ و مهم» و تعدادی میدان «کوچک‌تر» است. میدان‌های مهم شامل «آزادگان»، «یادآوران»، «یاران» و «دارخوین» است. مقرر شده که شرایط لازم برای تولید ۷۰۰ هزار بشکه‌ای در سه سال از این میدان‌ها فراهم شود. گفته شده که تخصیص حدود ۲۰ میلیارد دلار اعتبار قطعی شده است. تخصیص این وجوه بدون توسل به سرمایه‌گذاری‌های خارجی و در دوران تحریم صورت گرفته و اخیرا هم طرح توسعه جامع و یکپارچه میادین غرب کارون (به‌عنوان یک بسته کاری جامع، تمام طرح‌های توسعه‌ای این حوزه) امضا شد. ارزش مجموع قراردادهای امضاشده را نیز حدود بیش از ۴۵ میلیارد دلار ذکر کرده‌اند که در راستای بند (ق) تبصره (۲) و همچنین ماده (۱۲) قانون رفع موانع تولید بوده است. تمامی فعالیت‌های وزارت نفت در این دوره، در دورانی انجام شده که: اولا تنگناهای مالی و اقتصادی شدیدی به واسطه نزول قیمت نفت حاکم بوده است. زمانی که قیمت هر بشکه نفت در بازار جهانی به‌طور متوسط ۱۱۰ دلار بود، سهم وزارت نفت از صادرات روزانه ۲.۵ میلیون بشکه تنها ۱۴.۵ درصد بود اما هم‌اکنون اوضاع متفاوت شده زیرا صادرات نفت به سطح یک میلیون بشکه در روز و قیمت نفت به ۵۰ دلار در هر بشکه سقوط کرده است، به عبارت دیگر، هم‌اکنون نسبت به گذشته سهم وزارت نفت از صادرات نفت حدود سه درصد است (نه ۱۴.۵درصد)! دوما استمرار تحریم‌ها بر صنعت نفت برقرار بوده که هم از حیث توان تولید و هم از منظر دسترسی به منابع مالی فروش نفت و فناورانه تأثیرات نامساعدی بر جای گذاشت. سوما اینکه این وزارتخانه بار اصلی پرداخت منابع یارانه‌های کشور را برعهده دارد. همه تبادلات مالی فروش نفت خام و فراورده‌ها بدون دخالت وزارت نفت صورت می‌گیرد (از طریق حساب‌های خزانه‌داری). بنابراین آنچه که به وزارت نفت تعلق می‌گیرد، همان «بودجه‌های سنواتی» و سهم‌های مشخص (یعنی ۱۴.۵درصد) است. این عامل دوم به خاطر اینکه تابعی از درآمد نفت است؛ بنابراین در معرض نوسانات کاهشی شدیدی قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که با احتساب نفت بشکه‌ای ۱۰۰ دلار با فروش دو میلیون بشکه در روز، حدود ۱۳ میلیارد دلار عاید وزارت نفت می‌شد اما این رقم هم‌اکنون با احتساب قیمت ۴۰ دلاری حدود سه میلیارد دلار محاسبه می‌شود. زنگنه هرگز نمی‌تواند ادعا کند که مدیریتی خالی از عیب و ایراد داشته است. اشتباه و خطا در ذات مدیریت انسانی است. اما این بدان معنا نیست که ایرادات منتقدان هم کاملا درست است. صرفنظر از زنگنه، باید دانست تنها چیزی که در صنعت نفت اصالت دارد، فقط‌وفقط منافع ملی است. جالب است که اغلب انتقادات، ناظر بر مشکلات کنونی است؛ اما منتقدان، نتوانسته‌اند «بدیل» یا «گزینه‌ای» که توان بهبود مناسبات فعلی را داشته باشد؛ معرفی کنند! حتی عملکرد فعلی را نیز با دوره دو دولت قبلی مقایسه نکرده‌اند چراکه آن دوران اساسا عملکرد قابل‌قبولی نداشته است! هرقدر توصیف وضعیت غیرمتعارف کنونی ساده است، اما راهکارهای مقابله با آن، بسیار پیچیده و صعب است.

خبر

تغییرات جدید وام ۸۰ میلیونی

● **ایسنا:** صندوق پس‌انداز مسکن، آخرین تغییرات ایجادشده در زمینه دریافت وام‌های مرتبط با صندوق پس‌انداز مسکن یکم پس از موافقت بانک مرکزی برای اجرا به شعب بانک مسکن ابلاغ شده است. در این ابلاغیه با اشاره به موافقت بانک مرکزی در تاریخ ۲۶ شهریور با شرایط تسهیل‌گر مورد درخواست بانک مسکن درخصوص اعطای تسهیلات خرید و ساخت واحد مسکونی از محل حساب صندوق پس‌انداز مسکن یکم به متقاضیان، آمده است که تمامی شعب بانک مسکن مجازند تسهیلات ۸۰، ۶۰ و ۴۰میلیون‌تومانی خرید و ساخت واحد مسکونی را به ترتیب در شهرهای تهران، بالای ۲۰۰هزار نفر و کمتر از ۲۰۰هزار نفر را به افرادی که متاهل یا سرپرست خانوار نیستند، اعطا کنند. البته این متقاضیان باید بالای ۱۸ سال بوده و درآمد مستقل داشته باشند. همچنین از دیگر شرایط تسهیل شده در اعطای وام ۸۰ میلیون‌تومانی مسکن، حذف شرط لزوم اخذ استعلام فرم «ج» از وزارت راه و شهرسازی و سبزبودن آن برای همسر متقاضی است؛ اگر همسر متقاضی وام ۸۰ میلیونی، قبلا تسهیلات خرید مسکن یا امکانات دولتی تهیه مسکن دریافت کرده باشد، مانعی برای دریافت این تسهیلات نیست. ولی اگر خود متقاضی قبلا از این امکانات استفاده یا وام خرید مسکن دریافت کرده باشد، دیگر مشمول این وام نخواهد شد. اگر همسر یا فرزندان صغیر متقاضی وام ۸۰میلیونی از محل صندوق یکم، انواع تسهیلات بخش مسکن شبکه بانکی اعم از «خرید»، «احداث»، «انتقال سهم‌الشرکه» یا «جعاله تعمیر واحد مسکونی» را دریافت کرده باشند نیز مانع از دریافت تسهیلات ۸۰میلیونی صندوق یکم نخواهند بود و تنها اگر خود متقاضی این وام‌ها را قبلا اخذ کرده باشد دیگر مشمول وام صندوق پس‌انداز مسکن یکم نیست. از دیگر شرایط تسهیل‌گر دریافت وام ۸۰میلیونی صندوق پس‌انداز مسکن یکم، امکان اعطای این وام از سوی شعب بانک مسکن به متقاضیانی است که واحد مسکونی یا پلاک ثبتی که حداکثر ۱۵ سال از تاریخ صدور پروانه ساختمانی (جواز ساخت) آنها می‌گذرد، خریداری کنند. در ابلاغیه قبلی این تسهیلات، شرط سنی ساختمان حداکثر سه سال ذکر شده بود که در بخش‌نامه جدید بانک مسکن به ۱۵سال افزایش یافته است. همچنین شرط تاریخ پایان کار نیز در ابلاغیه جدید حذف شده است.

